

خاکستر



■ نویسنده: نجیب محفوظ
 ■ مترجم: محمدرضا مرعشی‌پور
 ■ ناشر: نیلوفر

داستان‌های «خاکستر» زمینه‌ای رئالیستی دارند، اما می‌شود آنها را در چهار گروه دسته‌بندی کرد: گروه نخست، اگر چه عکس‌برداری از واقعیت موجود به‌نظر می‌آیند اما نویسنده، با تصویری هنرمندانه هدفش را پی می‌گیرد و سخنش را در میان می‌گذارد. در گروه دوم نیز همان کار را می‌کند، اما رگه‌هایی از طنز را در واقعیت می‌تند و در گروه سوم، واقع‌گرایی را با رویا می‌آمیزد و در گروه چهارم، نمادگرایی را دستمایه قرار می‌دهد.

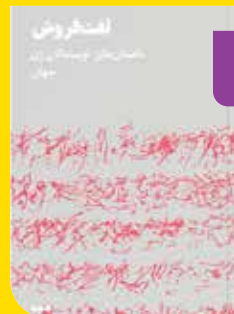
عشق دلیل کافی است



■ داستان‌هایی از نویسندگان ترک
 ■ مترجم: سعیده نصیری
 ■ ناشر: فغنوس

«عشق دلیل کافی است» شامل داستان‌هایی کوتاه از نویسندگان معاصر ترکیه است. این داستان‌ها دربرگیرنده موضوعات متنوعی همچون عشق، سیاست، مسائل اجتماعی، فقر، تنهایی، مرگ و غربت هستند. بی‌شک به دلیل نزدیکی فرهنگ، دین، آداب و رسوم مردم دو کشور ایران و ترکیه بسیاری از خوانندگان ایرانی با شخصیت‌ها و وقایع این داستان‌ها همذات‌پنداری می‌کنند.

لغت فروش



■ داستان‌های نویسندگان زن جهان
 ■ مترجم: تینا حمیدی
 ■ ناشر: هنوز

مجموعه داستان «لغت فروش» داستان‌های کوتاه و بلندی را از ده نویسنده زن جهان - بانانا یوشیموتو، ایزابل آلتند و دیگران - دربردارد. سوزده‌ها در داستان‌ها فراتر از دغدغه‌های یک جنسیت خاص انتخاب شده‌اند و این وجه اشتراک داستان‌های این مجموعه است. داستان‌هایی که هریک از دل قومیت و ملیتی خاص بیرون آمده.

رویای آمریکایی بر باد رفته

جنیفر ایگان در داستان‌های ملاقات با جوخه آدم‌کش به بازنمایی واقعیت جامعه آمریکا می‌پردازد

در رگ‌های این جامعه پُست‌مدرن جریان دارد.

این کتاب یک داستان مدرنیستی در دوران پسامدرنی جامعه است که از بستر رئال داستان فراتر رفته و مرزهای فرم رایج رئالیستی را درنوردیده و ساختاری پست‌مدرنیسم به کلیت کتاب بخشیده است. هر چند مفاهیم و مضامین مورد بحث در کتاب همچنان پیوندهای عقلانی و خردگرایانه خود را با واقعیت حفظ کرده، عدم قطعیت موردنظر مکتب پست‌مدرنیسم را رقم زده است. همانطور که زبان متناسب با نوشته‌های پست‌مدرن که زبانی طنز و سخره‌گرا (نه به شیوه طنز و گروتسک گذشته) دارند قصد بی‌اهمیت جلوه‌دادن این همه عقلانیت و قطعیت را ندارد. چراکه نویسنده نیز قصد چنین کاری نداشته. او آگاهانه ساختارشکنی فرمی را انتخاب کرده تا از نظم عقلانی مسلط بر زندگی شکایت کند. همان اندیشه فلسفی مدرنیست‌ها که خسته از شدت خردورزی و عقلانیت برخاسته از علم و محاسبات و اعداد به شکایت از طبقه بورژوا برخواست و ساختارها را شکست. از این جهت است که داستان را یک داستان فرم‌گرا نیز باید در نظر گرفت که زیبایی فرم و شکستن پیش‌فرض‌های داستانی قبلی و آشنایی‌زدایی را چه در سطح هر داستان و چه در سطح کل کتاب در نظر داشته است. این انتخاب آگاهانه و هوشمندانه شکستن فرم رایج کتاب‌های داستانی که حتی نمی‌توان منطق خاصی را برای این چینش کلی هم در نظر گرفت، کاملاً متناسب با محتوای کتاب است. همانطور که شخصیت‌های داستان نیز از این حجم عقلانیت علم‌مدار و کنترل‌گر به ستوه آمده، هویت خویش را گم کرده‌اند.

داستان ماجرای این خودویرانگری و گم‌گشتگی هویت و معناست که ناشی از معادلات سرد و ماشینی و سودمدارانه‌ی سایه‌انداخته بر روابط انسانی است. این است که در پایان کتاب در برنامه کنسرت «اسکاتی»، یکی از اعضای گروه موسیقی دوران نوجوانی بنی، در فضای روباز جمعیتی مشتاق را شاهدیم که به دنبال شنیدن صدای تنهایی مردی هستند که هرگز در عالم مجازی صفحه‌ای نداشته،

گوشی یا پیجر ندارد و در لیست دوستان هیچ‌کس نیست، یک فراموش‌شده دست‌نخورده که گیتار کلاسیک می‌زند. یک خودویرانگری که بالاخره اجازه نداد این زمان آدم‌کش او را از پا دریاورد. نه این مرد برخاسته از خاکستر نه هیچ‌یک از مردم مشتاقی که به این کنسرت آمده‌اند نمی‌دانند برای اطلاع‌رسانی و تبلیغات کنسرت از ساختار تیم نامریی شایعه‌پراکنی و دسیسه‌های آن براساس نیاز و شناخت مخاطب امروز استفاده شده است. اسکاتی حتی بو نخواهد برد بالاخره در بازی این دنیایی که از آن فاصله می‌گرفت وارد شده است. همان ساختاری که در زیر پوسته دیگر سازمان‌های انسانی این جامعه جریان دارد و در راستای اهداف هر سازمان مناسبات انسانی آن را رقم می‌زند. این تیم، اطلاعات خود را از کارکنان و آدم‌های مربوط به سازمان براساس شناخت کنترل‌گر از مردم و میزان نیاز و محبوبیت و فساد و اطلاعات‌فروشی آنان تنظیم می‌کند. همان استعاره‌هایی که بر مناسبات ورزشی و بازاریابی نیز حاکم است و انتخاب‌های مردم را پیش‌بینی، سیاست‌گذاری و هدایت می‌کنند. شایعه‌پراکنی از طریق آدم‌هایی که اطلاعات دیگران را می‌فروشند و اطلاعات سیاست‌گذاری‌شده را به دیگران القا و انتخاب‌های آنان را دست‌کاری می‌کنند.

از دیگر قابلیت‌های کتاب، شخصیت‌های ابزارورده داستان است که از مسیر پرسرعتی جامانده‌اند که انسان امروزی برای رشد و رسیدن به خواسته‌های خود انتخاب کرده است. فرایند تولید انسان‌هایی شکست‌خورده از زمان یا مسلط بر زمان که هریک به‌نوبه خود هم قربانی این شرایطاند هم می‌تواند عامل تخریب دیگران باشد. زندگی در چنین جهانی انسان را از انسان‌بودگی خویش جدا کرده و به ابزاری برای رشد و تخریب خود و دیگران بدل می‌کند. اینان در آرزوی اوج یا رسیده به اوج در هر دو حالت محکوم به شکست هستند. این نتیجه گریزناپذیر زندگی در جهانی شتاب‌زده، محاسبه‌گر با اندیشه سیستماتیک‌زده و بی‌اخلاق است. عنصر زمان در این رمان و در